



اتحادیه اروپا تحریم‌های تازه‌ای علیه تهران وضع کرد  
«آنانلار بوک» علیه ایران

سه‌شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۲ \_ ۳ ذیحده ۱۴۴۴ \_ ۲۳ می ۲۰۲۳

# شهر

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

ناصر حجازی چگونه دروازه‌بان قرن آسیا شد؟



مراحل تولد یک اسطوره

سال هشتم - شماره ۲۱۸۱ - صفحه ۸ - قیمت ۲۰۰۰ تومان

در واکنش به شهادت مظلومانه سربازان مرزبانی صورت گرفت

## افزایش انتقادات از سرسازی اجباری

سید ابراهیم رئیسی، میهمان اندونزی شد

تداوم نگاه ایران به شرق

مسعود ستایشی تشریح کرد:

توضیحات قوه قضاییه درباره اعدام‌شدگان اصفهان



علی اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی شد

پایان شایعات درباره شمخانی

بررسی حذف «مجوزهای زیست‌محیطی برای پروژه‌های بزرگ» در گفت‌وگو با یک فعال این حوزه

# خطر تازه در کمین ته‌مانده محیط زیست

شرح در صفحه ۴



گزارش میدانی خبرنگار همدلی از آبادان یک سال پس از فاجعه

## «متروپل» ادامه دارد...

همدلی | معصومه عساکره: یک‌سال از فاجعه‌ی متروپل می‌گذرد هنوز صدای شیون مردم در آن

روزهای سیاه برجای مانده است، هنوز خیابان امیری آبادان در نیمه‌ی راه، همانجا که دور تا دورش را با پلیت‌های آبی و قرمز پوشانده‌اند، نیمه‌جان می‌شود. گاهی پیاده‌هایی را در آن حوالی می‌بینی که قدم‌هایشان کند می‌شود یا نگاه‌شان را از آن ساختمان متخوس می‌زدند. می‌دانم که خیلی‌ها مثل من سعی می‌کنند که گذرشان به آن حوالی نیفتد. هنوز کوچه‌ی کافه مری بسته است. عکس‌های جانب‌باختگان متروپل را روی آبی و قرمزها نصب کرده‌اند. نمی‌دانم اسمش را چه می‌گذارند. شاید دیدار با جانب‌باختگان متروپل را هم به جاذبه‌های(۱) این شهر فراموش شده و فاجعه‌زده اضافه کرده‌اند.

بخشی از ساختمان متروپل آبادان دوم خرداد ۱۴۰۱ فرو ریخت که ۴۳ نفر را در کام خود فرود برد و ۳۸ نفر نیز تا سال‌های سال زخم آن را بر تن و جان خود دارند. مجددا در شهریور ۱۴۰۱ نیز در اثر فرو ریختن بخش دیگری از این سازه یک نفر دیگر فوت کرد. همچنین بخش دیگری از سازه ساختمان متروپل آبادان چهارم آبان فرو ریخت که یک کشته و ۲ مجروح برج گذاشت.

علت اصلی این فاجعه بر کسی پوشیده نیست. تخلف در ساخت و مراحل اجرایی همراه با رانت و رشوه و فساد توسط هلدینگ عبدالباقی و ادارات و سازمان‌های ذخیل در موضوع، باعث این فاجعه شد. متروپل ماه‌ها در بایکوت خبری بود. خانواده‌های زیادی عزادار شدند، کودکانی یتیم شدند، کارگرانی بیکار شدند و مشکلات شهری بسیاری در این شهر بوجود آمده است و دادگاهی که نتوانست این داغ را آرام کند.

روزی قیرم بنوسید که بر اثر بی عدالتی فوزی جلیلیان، صاحب یک آمیبه‌فروشی در برج متروپل، ۲ پسرش آرین و عرفان و برادرزاده‌اش حمیدرضا هم جزو قربانیان متروپل بودند. پیکرشان یک هفته بعد از فاجعه پیدا شد. حمیدرضا در کلیبی وصیت کرده بود: «که روی سنگ قیرم بنوسید که بر اثر بی عدالتی مرد». پدر حمیدرضا جلیلیان و برادر فوزی جلیلیان می‌گویند: «ساعت ۱۲:۳۸ این اتفاق نه تنها بر سر ما بلکه بر سر تمام ملت ایران افتاد. برادر من فوزی جلیلیان همراه دو پسرش عرفان و آرین و پسر ۱۴ ساله‌ی من، حمیدرضا که عصای پیری‌ام بود در چشم برهم زدنی زندگی‌شون رو از دست دادند.»

او با آهی بر زبان و حسرتی در جان ادامه می‌دهد: «۱۰ دقیقه قبل از این اتفاق حمیدرضا اومد خونه امتحانش تموم شده بود، شیش بخوابیده بود. هر چند مادرش اصرار کرد حاضر نشد استراحت کنه. گفت: میرم به عمو فوزی کمک کنم بار آورده و دست تنهاست. رفت و چند دقیقه بعدش همه چی آوار شد رو سر من. من و مادرش تا آخر سیاه تن‌مون و این لباس سیاه کفن‌مون می‌شه.»

این پدر رنج دیده در مقام مقایسه با حوادث اخیر و با این ادعا که «چرا باید به جوون به‌خطر بستنه شدن خیابون اعدام بشه» می‌پرسد: «ولی متهمین متروپل چی؟ یا عفو شدن یا فرار کردن؟! چرا قانون صدای منو نشنید که گفتم من هیچی غیر از قصاص اینا نمی‌خوام؟ من گفتم یا قصاص یا راضی کردن مردم بیچاره آبادان. چون این داغ آبادانه، داغ تمام آبادانی‌های مخلص و وجدان‌دار.»

این بازمانده چهار قربانی متروپل ادامه داد: «من نمی‌گم همه مسئولان بدن ولی به تعدادشون فقط اومدن سسر زدن و عکس گرفتن و وعده و وعید دادن و رفتن. ولی اینو بدون که این حق بخور نیست. من جنازه‌ای رو دیدم که میل کرد از سرش فرو رفته بود تا داخل بدنش که برش کار می‌گفت من چطور بیرم اگر بیرم تمام هیکلش می‌سوزه. این جنایت بزرگی بود چرا به متهمین عفو دادن، چرا توی زندان نیستن؟!»

دیدم ناخقی می‌کنند پیگیری نکردم یکی از طلبکاران ملکی متروپل که نمی‌خواست نامش ذکر شود در مورد نتیجه مطالباتش می‌گوید: «وقتی از مالباخته‌های مالی متروپل پرسوچو کردم و متوجه شدم کارشناس چه مبلغی برای ملک‌شان زده، بی‌خیال شدم چون خیلی ناخقی بود و دیگه دادخواستم رو بی‌گیری نکردم.»

او ادامه داد: «چرا باید قاضی به ما بگه که شمارو گول زدن. تا الان از پرونده مالباخته‌ها هیچ کس پولی دریافت نکرده. در مورد پرونده ماشین‌هایی که زیر آوار موندند هم تا هنوز هیچ مبلغی پرداخت نشده، بارها دوندگی، کارشناسی، دادخواست و تعیین مبلغ، آن هم مبلغی که اصلا قیمت واقعی و درخور نیست، اما تا به‌حال چیزی پرداخت نکرده‌اند.»

هموز دستکش کار دستش بود تعدادی از جانب‌باختگان متروپل از کارگران بودند. علاوه بر این تعداد زیادی از آنها نیز بعد از این حادثه بیکار شدند. یکی از کارگران قدیمی متروپل که نخواست نامش را ذکر کنم، گفت: «در واقع حق کارگرها خورده شد. نیازی نیست که من بگویم که آنها از چه قشری هستند و چه وضعیتی دارند، بیشتر آنها از قشر خیلی ضعیف‌اند. نمی‌دانم در اداره کار منطقه آزاد چه اتفاقی افتاد و توسط چه کسانی ولی به جای ۱۵ سال مطالبات کارگران فقط دیون ۹۷ تا ۱۴۰۱ را حساب کردند.»

او ادامه داد: «یعنی فرض کنید حق من ۳۰۰ میلیون می‌شد ولی فقط ۳۳ میلیون در نظر گرفتند، آن‌ها با باید قبول کنند که هلدینگ عبدالباقی - که در ابتدا گروه ساختمانی عبدالباقی بود - وجود داشته که البته ساختمان‌های موجود در شهر هم گواه هستند، یعنی کارگرانی از ابتدا با آنها کار می‌کرده‌اند، یا اینکه قبول نکنند. آن وقت این سوال پیش می‌آید که پس چطور تبدیل به هلدینگ شد و آن‌ها همه ساختمان توسط چه

کسانی ساخته شده است؟! ما اعتراض کردیم، تجمع کردیم ولی هیچ کس صدای ما نبود در واقع متروپل یکسال بایکوت خبری شد.»

این کارگر ساختمان متروپل ادامه داد: «۱۵۰ پرونده‌ی مطالبات کارگرهای متروپل در اداره کار منطقه آزاد ارونه بود که شاید ۱۰۰ نفر آنها، نفری ۷ تا ۸ سال از مطالبات‌شان خورده شد.»

او ادامه داد: «حامد عبدالباقی(برادر حسین عبدالباقی) از تعداد کمی از کارگرها که وضع خوبی نداشتند توانست با مبالغ خیلی پایین رضایت بگیرد. آنهاهی که رضایت ندادند تجمع کردند اما اداره کار گفت شما رای دادگاه را امضا کنید و قول داد که ۲۵ اسفند مطالبات توسط ورثه عبدالباقی واریز می‌شود. اما در آن تاریخ هم ورثه حاضر به پرداخت نشدند و گفتند بروید شکایت کنید وکیل بگیرید تا مراحل از اول طی شود.»

او با اشاره به وضعیت معیشت و درآمد کارگران ادامه داد: «کارگر روزمزد که اگه به روز کار نکنه نمی‌تونه زندگی کنه، چطور می‌تونه هر روز بوی گیر مطالبات و دوندگی‌های اون باشه و چطور می‌تونه حق‌الزحمه وکیل پرداخت کنه؟!»

این کارگر آبادانی در پایان گفت: «تا الان هم که من با شما صحبت می‌کنم هیچ گونه واریزی برای مطالبات ما انجام نشده. روزهای اول خیلی از مسئولین به ما قول دادن که شما حتما استخدام می‌شید و مطالبات‌تون پرداخت می‌شه، اما هیچ کدوم عملی نشد.»

اخیرا شایع شده که ساختمان دوم متروپل به زودی باز خواهد شد و حتی یک مغازه آش فروشی در پایین آن که قبلا تعطیل شده بود، دو ماهی هست که مجددا باز شده و مشغول به کار است. کارگر این مغازه که حاضر به گفت‌وگو با من نشد که بپرامون مجوز بازگشایی توضیحاتی دهد. در تماشای با دفتر مهندسین ناظر در آبادان داشتم مهندس کهن زاده در این باره گفت: «درباره ساختمان‌های اطراف متروپل نامه ای به شهرداری زدیم مبنی بر بررسی استحکام این بناها و قرار شده که از اهواز کارشناس بفرستند برای بررسی این موضوع. در حقیقت مجوز بازگشایی این امکان دست شهرداری است.»

به جز این در مواردی نیز مشاهده شده که برخی مشغول تعمیرات در اطراف این ساختمان هستند. در تماس با شهرداری منطقه یک آبادان به من گفته شد که مجوزی فعلا ارائه نشده و به صاحبان برخی مشاغل از جمله مهین آش‌فروشی نیز اطلاع داده شده است. اما مشخص نیست که چگونه است که این مغازه دو ماه است که در این منطقه خطرناک بازنده و مشغول فروش آش به مشتریان است.

آیا قانون همیشه عدالت را اجرا می‌کند؟ دادگاه متروپل در سه جلسه، بدون حضور خبرنگاران و فقط با حضور صدا و سیما برگزار شد. طبق رای بدوی و با توجه به نظریه لافزهر کارشناسی که در دادگاه تجدیدنظر هم تایید شد، ۷۵ درصد مسوولیت فاجعه متروپل متوجه حسین عبدالباقی سازنده و مالک و ۲۵ درصد تقصیر متوجه ۲۱ نفر از مدیران و مسوولان است. متهمان پرونده به پرداخت دیه، تحمل یک تا ۳ سال حبس تعزیری، ۳ سال انفصال از خدمات دولتی و عمومی و ۲ سال منع اشتغال به حرفه مرتبط با مهندسی ساختمان و لغو پروانه اشتغال و محرومیت از عضویت در سازمان نظام مهندسی، محکوم شدند.

ولید عرفرافی از وکلای دادگستری در آبادان و کالت ۱۵ پرونده از جانب‌باختگان متروپل را برعهده داشته. او به من گفت: «محکومان به زندان معرفی شده‌اند که در حال حاضر تعدادی از آنها متواری و تحت تعقیب هستند.» عرفاویان توضیح داد: «دیه جانب‌باختگان حادثه متروپل به صورت کامل پرداخت شده است. بابت خسارت‌های کمتر از ۲۰ میلیون هم پرداخت صورت گرفته است.»

وی افزود: «در این پرونده رشوه و تبانی در معاملات دولتی صورت گرفته و سوءنیت آقایان محرز است که این بحث قتل عمد را به میان می‌آورد. به استناد همین موارد اگر پرونده قبلی که برای تبانی و ارتشا رسیدگی و حکمش صادر می‌شد، بعد پرونده جانب‌باختگان متروپل مورد رسیدگی قرار می‌گرفت به‌طور قطع در رای نهایی محکومان تاثیر داشت.»

عرفاویان ادامه داد: «در لایحه‌ای که به دادگاه ارائه کردم نظرم این بود که علاوه بر مقصران افراد دیگری هم ذخیل هستند که باید محاکمه شوند و میزان تقصیر مسببان تجدیدنظر شود. شهرداری آبادان به دلیل امضاهای عجیب و غریب و طلایی و صحه گذاشتن بر تخلف مالی، به احتمال حادثه جانی و مالی علم یقین داشته که این به صراحت در قانون جرم‌انگاری شده. همچنین مسوولیت اعضای کمیسیون ماده ۱۰۰ و کمیسیون ماده ۵ و سازمان منطقه آزاد ارونه به دلیل مجوز تبدیل ساختمان از ۶ طبقه به هشت طبقه و بعد به ۱۱ طبقه باید مدنظر قرار گیرد. وزارت مسکن و شهرسازی به دلیل مسوولیت نظارت عالیبه بر ساخت و ساز و مسوولیت نظارت بر تولید و توزیع مصالح ساختمانی؛ رئیس وقت سازمان آتش‌نشانی به دلیل پروانه ساخت در کوچه کم‌تر از ۳ متر، اتحادیه‌های سنفی و اتاق اصناف و اداره نظارت بر اماکن به دلیل جلوگیری از فعالیت واحدهای تجاری در طبقه اول و ششم قبل از پایان کار و بدون مجوزهای قانونی هم در این پرونده مسوول هستند.

ترک فعل شورای شهر آبادان درمورد عدم سوال از شهرداری نیز کاملا واضح است. که مجازات اینها را خواستار شده بودیم. در این پرونده، نهادهای نظارتی، نظارت مکفی و قانونی نداشتند و هیات کارشناسی باید در سهم تخلف به این مساله توجه می‌کرد.

ارزبابی وام خرید مسکن در مقایسه با قیمت‌ها

## سختی‌های یک تسهیلات

همدلی از وضعیت تنوع زیستی در ایران گزارش می‌دهد

## محیط زیست ایران در خطر ۸۶ انقراض

افشاگری یک نماینده مجلس؛

رای جمع کردن با اهدای تبت و چادر



یک قرن از تولد «محمدعلی موحّد» گذشت

صدسالگی علامه دهر

همدلی | معصومه عساکره

تحلیل

چرا وزیر کشور می‌گوید ۶۰ درصد؟ یک تحلیلگر مسائل سیاسی گفت: اعلام چشم‌انداز مشارکت ۶۰ درصدی در انتخابات از سوی وزیر کشور نشان می‌دهد گویا خود مسئولان هم نسبت به شرایط موجود واقف هستند که ممکن است مشارکت مردم در انتخابات پایین بیفتد.

مشارکت حداکثری در انتخابات هدفی است که همه دلسوزان کشور بر آن تاکید دارند اما چگونه می‌شود زمینه‌های این مهم را فراهم کرد؟

جواد آربن‌منش، فعال و تحلیلگر مسائل سیاسی درباره این موضوع به «امفنیز» گفت: «مشارکت حداکثری در انتخابات

الزامات، مبانی و مقدماتی دارد. به بیان دیگر مشارکت مردم در انتخابات به مؤلفه‌های مختلفی مربوط می‌شود. میزان رضایتمندی مردم از شرایط کشور، اوضاع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، میزان رضایتمندی مردم از عملکرد مسئولان، رضایتمندی مردم از اوضاع اقتصادی، شیوه

شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها، اجرای بی‌طرفانه انتخابات، حضور یا عدم حضور احزاب و تشکل‌های سیاسی در صحنه انتخابات و حضور یا عدم حضور چهره‌های شاخص و مورد اعتماد مردم همه اینها بخشی از عواملی است که میزان مشارکت مردم در صحنه انتخابات را تأمین می‌کند. اگر

مسئولان زیرساخت‌های مشارکت حداکثری را فراهم کنند، می‌توان انتظار داشت وجود داشته باشد؛ چنانکه در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته شاهد سخت‌گیری‌های بی‌مورد بودیم تا حدی که رهبری هم معترض شدند مانند برخوردی که با آقای لاریجانی صورت گرفت و اگر همین خط مشی ادامه و هم دادطلبان در صحنه انتخابات کم می‌شوند و هم مردم

نامزد شده خود را در انتخابات نبینند منتقا انتخاباتی حداکثری شکل نمی‌گیرد.»

زاد نیست و فراهم کردن این زیرساخت‌ها بسیار دشوار است. مثلا اگر هیچ تحرکی در حوزه اقتصادی، کنترل تورم و افزایش ارزش پول ملی رخ ندهد یا محدودیت‌ها در ورود افراد در انتخابات سخت‌گیرانه باشد، متعاقباً

مشارکت بالای هم رخ نمی‌دهد. طبیعی است که اگر تغییر صورت نگیرد و سیاست انسدادی و محدود‌کننده برای ورود وجود داشته باشد؛ چنانکه در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته شاهد سخت‌گیری‌های بی‌مورد بودیم

تا حدی که رهبری هم معترض شدند مانند برخوردی که با آقای لاریجانی صورت گرفت و اگر همین خط مشی ادامه و هم دادطلبان در صحنه انتخابات کم می‌شوند و هم مردم نامزد شده خود را در انتخابات نبینند منتقا انتخاباتی حداکثری شکل نمی‌گیرد.»

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

آن چه در مناظره، گفته شد



محسن صنیری استاد دانشگاه

مناظره میان علی عزیزاده و دکتر موسی غنی‌نژاد در برنامه شبیه حوال لیبیرالسم اقتصادی برگزار شد. اگر به عنوان یک دانشجو، این مناظره را دنبال می‌کردم، مطالب دکتر غنی‌نژاد را مانند درس‌های

یک استاد صاحب تجربه، می‌توانستم خلاصه بندی کنم و بدانم چه می‌خواهد بگوید و از چه سیری برخوردار است. ولی در مطلب عزیززاده، کم‌تر می‌توانستی

پیوستگی و منطق مشخص علمی پیدا کنی. دکتر غنی‌نژاد، بی‌میل نبود که افتراق خود را با مجموعه اصلاح‌طلبان یا چه‌باید دهه شصت نشان دهد و با طعنه به دوران طلایی دهه اول، بدون توجه به فضای جنگی حاکم بر کشور، دهه شصت را به عنوان عامل اساسی همه مشکلات

بعثی بداند. در این مناظره، بعد از تاریخچه لیبیرالسم و لیبیرالسم اقتصادی، موقعی که بحث به اقتصاد ایران رسید، دو تفکر خود را نشان می‌دهد؛ یکی کسانی که فکر می‌کنند مشکلات اقتصادی ایران از رو آوردن به نتولیرالسم اقتصادی است که از دولت آقای هاشمی دنبال شد

و دیگر برخی که فکر می‌کنند مشکلات از بسته بودن و دستوری بودن اقتصاد ایران است. ولی واقعا مشکل در کجاست؟ اقتصاد ایران، یک اقتصاد آزاد یا یک اقتصاد دولتی و دستوری است؟

آن چه که کاملا پیداست، اقتصاد کلان ایران، از صنعت نفت، پتروشیمی، انرژی، بانکداری، خودروسازی، صنایع بزرگ و تجارت خارجی و ... در اختیار بخش دولتی یا خصوصی و بنیادهاست. به این ترتیب قطعا در اقتصاد کلان ایران، اثری از اقتصاد آزاد وجود ندارد. البته قسمت عمده حوزه خدمات، کشاورزی، مسکن و صنایع کوچک در اختیار بخش خصوصی

است، ولی تنظیم مقررات کاملا در اختیار بخش دولت است. چرا بخش صنعت ما تا کارآمد است به طوری که همان طور که در مناظره گفته شد یک اتومبیل هیوندای آخرین سیستم با بهترین امکانات روز، ۷۰۰۰ دلار است که از قیمت پراید در ایران کم‌تر است؟

ادامه در صفحه ۵